

با فوتبال و یا بدون آن، مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی، ادامه خواهد یافت!

داریوش ارجمندی

روز پنج‌شنبه، در مصاف تیم فوتبال ایران با تیم ایرلند، ملی‌پوشان ایران موفق شدند با ارائه یک بازی قوی، حریف خود را با نتیجه یک بر صفر شکست دهند. اما متأسفانه پیروزی تیم فوتبال ایران برای صعود آن به بازی‌های جهانی در کره و ژاپن کافی نبود.

ساعتی پس از پایان بازی، همچنانکه انتظار می‌رفت، جوانان ایران، باردیگر در شهرهای گوناگون کشور، به خیابان‌ها ریخته، به اعتراض علیه رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. جوانان در شعارهای خود با اشاره به سقوط رژیم طالبان در افغانستان، سرنگونی طالبان ایران را طلب کردند. اینبار، علاوه بر تهران و اصفهان، اعتراضات شدیدی از سوی مردم و جوانان در شهرهای استان خوزستان، صورت گرفت. از جمله در اهواز و شوشتر، در چندین تجمع بزرگ، مردم با دادن شعارهایی علیه شاهرودی و قوه قضائیه، نسبت به سیاست‌های این قوه، و شخص ولی فقیه، به اعتراض پرداختند. و البته، همانطور که از روزها قبل مشخص بود، اعتراضات خیابانی مردم و جوانان، با مقابله نیروهای امنیتی و دستگیری‌های دسته جمعی تظاهرکنندگان روبرو شد. مسئولان امنیتی جمهوری اسلامی، از روزها قبل، همچون موارد پیش از آن، به مردم هشدار داده بودند که پاسخ هر اعتراضی را با سلاح سرکوب خواهند داد. میادین اصلی شهرها، مملو از مأموران انتظامی و لباس شخصی‌های وزارت اطلاعات بود، تا در صورت لزوم، به سرعت وارد عمل شده، به مقابله و سرکوب جوانان قانون‌شکن بپردازند.

آماده‌باش نیروهای امنیتی رژیم اسلامی پیش از انجام بازی و روشن شدن نتیجه آن، مؤید این حقیقت بود که رهبران جمهوری اسلامی نیز، همچون مردم، براین نکته واقفند که اعتراضات پس از مسابقات فوتبال، ربط چندانی به خود این مسابقات و نتایج آنها ندارد، بلکه فوتبال، تنها بهانه‌ای و انگیزه‌ای است که مردم، برای نمایش نارضایتی خود از آن بهره می‌گیرند. نگاهی به شعارهای تظاهرکنندگان، هیچ جای شکی در این رابطه باقی نمی‌گذارد.

آری، در فاصله چند ماه اخیر و در جریان اعتراضات مربوط به فوتبال، شاهد آن بوده‌ایم که جوانان و مردم، از فرصت‌های بدست آمده، برای بیان خواست‌های خود، بهره جسته‌اند. و اما، امروز، اگرچه دیگر از مسابقات فوتبال به شکل ماه‌های اخیر خبری نیست، اما خواست‌های به حق مردم، همچنان بجای خود باقی هستند و ضرورت مبارزه برای این خواست‌ها، نه تنها کاهش نیافته، بلکه بیش از هر زمان دیگری، از اهمیت برخوردار است. در جریان هر کدام از اعتراضات خیابانی در ماه‌های اخیر، تعداد زیادی از جوانان و مردم معترض، دستگیر و روانه سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی شده‌اند، شکنجه زندانیان سیاسی، دادگاه‌های نمایشی و نقض دائمی ابتدائی‌ترین حقوق انسانی آنها، با شدت روزافزونی، ادامه دارد. از سوی دیگر، موج اخراج‌های دسته جمعی کارگران، خصوصی‌سازی‌ها و سرکوب هرگونه تلاش و حرکت کارگران برای دستیابی و دفاع از حقوق‌شان، به واقعیت‌های روزمره تبدیل شده‌اند. زنان کشور، همچنان اسیر قوانین و نظام قرون‌وسطایی طالبان ایران هستند و اقلیت‌های ملی و مذهبی نیز همچون گذشته، محروم از حقوق انسانی و برابر. جوانان ایران، به مثابه تشکیل‌دهندگان اکثریت جمعیت کشور، دائماً با مشکلاتی نظیر بیکاری، عدم برخورداری از امکانات رفاهی، تحصیلی و بهداشتی و امثالهم، دست‌به‌گریبان‌اند و افزون بر آن، حتی از حق شاد بودن، و یا به بیان دیگر، از حق انسان بودن و جوان بودن نیز، محروم هستند. بنابر آمار اداره اجتماعی نیروی انتظامی، تنها در تهران، روزانه دهها نفر از دختران و پسران جوان، در پارک‌ها، و به بهانه‌های گوناگون، دستگیر می‌شوند.

در چنین شرایطی، بدیهی‌ست که مردم ایران، راه دیگری به جز تداوم و گسترش بخشیدن به مبارزات‌شان، در برابر خود ندارند.

برای آزادی، برای دموکراسی و عدالت اجتماعی، برای برابری و برخورداری از حق انسان بودن، ضروریست که توده‌های کارگران، زنان، جوانان و در یک کلام، اکثریت رنج‌دیده کشور، به اشکال گوناگون، به مبارزات خود ادامه دهند. تجربه سالهای گذشته و بویژه تجربه اعتراضات مربوط به فوتبال، نشان‌گر آن است که مردم، خود، اشکال مناسب برای بیان خواست‌ها و اعتراضات‌شان را خواهند یافت.